

وحی در قرآن

سارا محمدی نژاد

خداوند برای هدایت مردم به سوی کمال و سعادت حقیقی انسانهایی را مبعوث می‌گرداند تا معارف و قوانینی را که به آن نیازمندند در اختیار آنان نهند و از این طریق شناخت عقلی آنان را تکمیل کنند. اساسا یکی از شئون اصلی پیامبری ابلاغ آموزه های دینی به بشر است و بدیهی است که این ابلاغ مبسوط به آگاهی شخص پیامبر از این آموزه‌هاست. به عبارت روشن‌تر، پیامبر ابتدا بر معارف و احکام دینی آگاه می‌شود و سپس آن را به مردم ابلاغ می‌نماید، حال پرسیدنی است که منبع این آگاهی چیست؟ آیا پیامبر از راه تفکر و اندیشه شخصی خود به آنچه مامور به ابلاغ آن است، دست می‌یابد. یا از رهگذر تعلیم و مطالعه آثار گذشتگان به آن آگاه می‌شود؟ حق آن است که منبع تعلیم پیامبران هیچ‌یک از منابع معمول شناخت بشری (حس، تجربه و عقل) نیست و آنان از روشهای رایج تفکر و اندیشه برای دستیابی به این تعلیم استفاده نمی‌کنند، بلکه مبدا آموزه‌های انبیا ادراک ویژه‌ای است که در آن به وحی تعبیر می‌کنیم. بنابراین یکی از مهمترین امتیازات پیامبران بهره‌مندی آنان از وحی و ادراک وحیانی است. (۱)

۱- وحی در لغت: واژه پژوهان معتقدند که وحی، اصل و قاعده‌ای برای رساندن "علم" و غیر آن است. ویژگی‌های وحی، عبارت است از: اشاره‌ای سریع به نوشتار و رسالت، گاهی اعلام به رمز و تعریض و زمانی به صورت برهنه از ترکیب، اشاره به برخی اعضاء و زمانی به الهام و کلام پنهان. بنابراین پنهان، سریع و مرموز بودن از ارکان اصلی وحی به شمار می‌آید. (۲) هرچند که لغت‌شناسان معانی متعددی را برای واژه وحی نقل کرده‌اند، ولی این واژه معانی متعددی ندارد و مفهوم اصلی و جامع وحی "تفهیم سریع و پنهانی" است و معانی دیگر از اسباب تفهیم شمرده می‌شوند. بنابراین در تعریف وحی باید سه عنصر "تفهیم"، "پنهانی" و "سریع" را لحاظ و اخذ کرد. هرچند که لغت‌شناسان یکجا به عناصر مذکور اشاره نکرده‌اند، ولی بررسی اقوال آنها روشن می‌کند که آنان، وحی را با عناصر مذکور تعریف کرده‌اند. (۳) چنانکه ابن فارس در کتاب مقایس اللغه می‌نویسد: "وحی تعلیم به صورت پنهانی است. (۴) همچنین در معجم الوسیط آمده است: "وحی عبارت از چیزی است که به دیگری القاء شود تا بفهمد. (۵)" زمخشری نیز درباره عنصر "پنهانی" و "روحی می‌گوید: "وقتی سخن پنهانی را به کسی بگویند که از

۲۱۹۶

دیگری مخفی سازند، آن سخن را وحی می‌نامند. (۶) لغت‌شناسان همچنین به عنصر "سرعت" نیز، تصریح کرده‌اند: چنانکه راغب اصفهانی می‌نویسد: "معنی اصلی وحی اشاره سریع است. امر وحی: یعنی امر سریع و به خاطر سرعتی که در واژه وحی نهفته است گاهی به مطالب رمزی و تعریضی وحی می‌گویند." (۷)

حال سوال این است که چرا لغت‌شناسان تمام عناصر تعریف مذکور را یکجا بیان نکرده‌اند؟ این سوال دو پاسخ دارد: اول اینکه هر سه عنصر مذکور قید لازم تعریف وحی‌اند. در این صورت دلیل یکجا ذکر نکردن هر سه عنصر این است که یا آنان در صدد تعریف کامل از وحی نبوده‌اند و یا برخی عناصر را به علت وضوح حذف کرده‌اند و به آن عناصری که به نظرشان مهم‌تر و مخفی‌تر بوده، اشاره کرده‌اند. پاسخ دوم اینکه، عنصر "تفهیم" ماهیت وحی و دو عنصر سرعت و پنهانی لوازم وحی‌اند.

و پاسخ این سوال که چرا لغت‌شناسان هر سه عنصر مذکور را در تعریف وحی یکجا نیاورده‌اند، این است که ذکر لوازم تعریف در تعریف ضرورت ندارد. (۸)

۲- معنای اصطلاحی وحی: مسئله وحی یکی از مسائل مهم نبوت عامه است. با این حال، متکلمان به گونه درخور شایسته‌ای به این مسئله مهم نپرداخته‌اند، تا آنجا که در اکثر متون کلامی، کاملاً مورد غفلت قرار گرفته است و در برخی دیگر، تنها به تعریف آن اکتفا شده است. برای نمونه حکیم لاهیجی در تعریف وحی می‌آورد: "مراد از وحی سماع کلام است، خواه در یقظه و خواه در منام، خواه با رویت ملک و خواه با عدم آن." (۹) واقعیت این است که حقیقت وحی برای ما ناشناخته است، زیرا این نوع ادراک و شناخت از مختصات انسانهای برگزیده و ممتاز (پیامبران) است و بشر عادی راهی به آن ندارد و نمی‌تواند تجربه‌ای از آن به دست آورد. بنابراین حال ما در فهم حقیقت وحی، حال آن ناپیایی است که در پی شناسایی رنگهاست و انبیاء همچون انسانهای بینایی‌اند که رنگها را مشاهده می‌کنند. همانگونه که شخصی نابینا صرفاً می‌تواند از راه برخی مفاهیم، به تصویر مبهمی از رنگ دست یابد، ما نیز تنها با بهره‌گیری از مفاهیمی که از برخی ابعاد و ویژگیهای ادراک و حیانی حکایت می‌کنند می‌توانیم آشنایی دورادور و مختصری از این نوع ادراک پیدا کنیم، در حالی که دستمان از رسیدن به آن حقیقت کوتاه است. بنابراین در تعریف وحی می‌توان گفت: وحی نوعی ادراک خاص است که با ادراکات معمول بشری کاملاً متفاوت است و از

۲۸۹۷

راههایی مانند حس، حدس یا تعقل و تفکر حاصل نمی‌گردد. خداوند از رهگذر این ادراک ویژه، حقایق و معارف دینی را به پیامبر منتقل می‌سازد و پیامبر نیز در این دریافت، دچار خطا یا شک و تردید نمی‌شود. (۱۰) البته این ادراک از راههای مختلفی صورت می‌گیرد که در بحث وحی در قرآن به آن اشاره می‌کنیم.

۳- وحی در قرآن: همان طور که پیش‌تر گفته شد وحی از مقوله علم و ادراک است نه از جنس تحریک و عمل؛ گرچه انسان در وقت عمل از مجاری فکر و اندیشه استمداد می‌جوید و علم و ادراک، نحوه خاص وجود است که منزله از ماهیت است؛ هرچند ماهیت او را همراهی می‌کند. بنابراین وحی، مفهومی برگرفته از هستی است مجاری از این رو ماهیت ندارد و نمی‌توان آن را از طریق جنس و فصل و حد و رسم منطقی تعریف نمود. پس وحی منزله از آن است که تحت مقولات معروف ماهوی قرار گیرد و مفهوم وحی - مانند معنای هستی - دارای مصداقی است که آن مصداق، مراتب گوناگون و متفاوتی دارد. (۱۱)

با این توضیح ما به کاربردها و مصداقهای مختلف وحی می‌پردازیم.

۳-۱: القائنات شیطانی: دامن پاک پیامبران منزله از آن است که به ناپاکیهای داده‌های شیطانی چرکین شود؛ زیرا ابلیس را در حریم قلب آنان، راه نفوذی نیست. پرتوی تام از عصمت و قداست برقلوبشان احاطه دارد و قله شامخ و تابناک عقولشان از دسترس واهمه و تخیلات شیطان بسی‌فرازمندانه‌تر است؛ ولی در افراد غیرمعصوم، شیطان را راه نفوذ باز و توان القای سخنان اهریمنی است؛ چنانکه قرآن در آیاتی چند به آن تصریح کرده است؛ مانند: (و کذلک جعلنا لکل بنی عدوا شیاطین الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا... (۱۲))؛ و "بدین‌گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب یکدیگر سخنان آراسته القا می‌کنند." با این آیه و نظیر این آیات (۱۳) مشخص می‌گردد که قرآن و سوسه‌های پنهانی را نیز وحی خوانده است.

۳-۲: وحی به آسمان و زمین: یکی دیگر از موارد استعمال "وحی" در قرآن، استعمال آن در موارد وضع سنن و قوانین الهی درعالم است. خداوند قوانین حاکم بر آسمانها و زمین را که موجب نظم دقیق عالمانه و گردش منظم و بهره‌وری شایسته از آنهاست در آیاتی چند خاطر نشان ساخته است. ... (ففضا هن سبع سماوات فی یومین و اوحی

فی کل سماء امرها... ((۱۴))؛ پس آنها را به صورت هفت آسمان در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمانی کار مربوط به آن را وحی فرمود. "ظاهراً مقصود از عبارت" و اوحی فی کل سماء امرها" آنست که خداوند پس از آفرینش آسمانها، نظام تکوینی خاص هر کدام را در آنها به ودیعت نهاد و جریان قوانین عامی را مقدر فرمود. بر این اساس، "وحی" در این آیه به معنای مجازی به کار رفته است و مناسبت این استعمال با معنای لغوی وحی آنست که چون قوانین هر آسمان به خود آن اختصاص دارد؛ گویا خداوند این قوانین را به صورت پنهانی به هر کدام اعلام کرده است. ((۱۵)) آسمان و زمین وحی و شعور مرموز خود را در آغاز پیدایش به سرعت به کار گرفته‌اند و همچنان به سیر تکاملی خویش ادامه می‌دهند؛ و روزی خواهد رسید که آنچه بر آنها گذشته باز گویند؛ چنان که فرمود: (اذا زلزلت الارض زلزالها* و اخرجت الارض اثقالها* و قال الانسان مالها* یومئذ تحدث اخبارها* بان ربک اوحی لها ((۱۶))؛ "آنگاه که زمین به لرزش شدید خود لرزانده شود و بارهای سنگین خود را برون افکند و انسان بگوید زمین را چه شده است؟ آن روز است که زمین خبرهای خود را بازگوید؛ همان‌گونه که پروردگارت بدان وحی کرده است."

اوحی لها: یعنی امرها: پروردگار به آن فرمان داده است. زمین را اموری که در آن انجام گرفته است گزارش می‌دهد. علت این گزارش آنست که خداوند به آن وحی کرده است. مقصود از اخبار زمین کارهای نیک و بد است که انسانها در روی آن انجام داده‌اند و زمین این گزارشها را از طریق وحی آموخته است؛ چون آیه به روز قیامت و جهان جزا و پاداش و کیفر اعمال مربوط است.

۳-۳: وحی به زنبور عسل: سراسر جهان دارای حیات و شعور است و همه موجودات، پیرو مقررات و دستورهای وحیانی‌اند. قرآن از برخی حیوانات گیرنده وحی یاد کرده است: (و اوحی ربک الی النحل ان اتخذ من الجبال بیوتا... ((۱۷))

در این آیه وحی به محور تصمیم‌گیری نسبت داده شده است و وحی به عزم و اراده و ترغیب مستند است. همان‌گونه که آیه خاطر نشان می‌سازد، نخستین تصمیم زنبور عسل باید پیرامون خانه‌سازی با شکل مخصوص (مسدس) و مهندسی ویژه باشد و این امر باید در مکانی مناسب، مانند کوه یا درختان صورت بگیرد. مرحله دوم که

۲۱۹۹

در ادامه آیه است اشاره به این دارد که زنبور عسل باید برای تهیه غذای مناسب - آن هم از گل‌های سودمند معطر - باشد که تشخیص آن جز به وحی ربانی، برای هیچکس میسر نیست. مرحله سوم، گردش و سلوک برای جستجوی غذا است که مستلزم راه‌شناسی و راهپیمایی است و مسیر گردش او باید کاملا بر روند وحی، منطبق آید. در مرحله چهارم و پایان کار به نتیجه فعالیت خستگی‌ناپذیر این حیوان با جثه کوچک می‌رسیم؛ یعنی به تولید شهدی که دارای شفاست.

۳-۴: وحی یا الهام به عمل: وحی گاهی به اندیشه و تصور یا تصدیق و جزم تعلق می‌گیرد که در محور تعلیم و تعلم است و گاهی به انگیزه و عزم تعلق می‌گیرد؛ مانند رغبت و تشویق، ترساندن و ترهیب و ... برخی از موارد وحی به عمل در قرآن عبارت است از:

(و اوحینا الی ام موسی ان ارضعیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم و لا تخافی و لا تحزنی انا رادوه و جاعلوه من المرسلین، (۱۸)) "و به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر ده و چون بر او بیمناک شدی او را در نیل بینداز و مترس و اندوه مدار که ما او را به تو باز می‌گردانیم و از زمره پیامبرانش قرار می‌دهیم."

پس از صدور فرمان فرعون مبنی بر قتل نوزادان پسر بنی‌اسرائیل، خداوند به مادر موسی (ع) الهام فرمود که هرگاه بر جان او بیمناک شدی او را به دریا انداز. از آنجاکه مادر موسی (ع) از مقام نبوت برخوردار نبوده است مقصود از وحی در این آیه معنای مصطلح نیست، بلکه الهام چون نوعی پیام مخفیانه است که بر دیگران پنهان می‌ماند و از آن به وحی تعبیر می‌شود.

۳-۵: وحی به پیامبران: افزودن بر معانی یاد شده، قرآن وحی را در معنای مصطلح آن بیش از هفتاد بار به کار برده است؛ مانند: (و کذلک یوحی الیک و الی الذین من قبلک الله العزیز الحکیم، (۱۹)) "اینگونه خدای نیرومند حکیم به سوی تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی می‌کند." قرآن در آیه دیگری به انواع وحی مصطلح اشاره می‌کند: (و ما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیا او من وراء حجاب او یرسل رسولا فیوحی باذنه‌ها یشاء انه علی حکیم (۲۰))، "و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز از راه وحی یا از فراسوی حجابی، یا فرستاده‌ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید. آری، اوست بلندمرتبه سنجیده کار."

۲۹۰۰

از این آیه روشن می‌شود که خداوند از سه طریق با پیامبران خود ارتباط برقرار می‌کند: (۱) وحی مستقیم (الا وحیا): در این طریق حقایق و معارفی به صورت مستقیم بر قلب پیامبر القا می‌شود، بدون اینکه واسطه‌ای در کار باشد. از برخی روایات بر می‌آید که این نوع وحی سنگین‌ترین اقسام وحی است؛ زیرا خداوند مستقیماً بر قلب پیامبر تجلی می‌کند. (۲) ایجاد صوت (من وراء حجاب): در طریق دوم، مضامین وحیانی در قالب اصوات به گوش پیامبر می‌رسد و از آنجا که صاحب صدا دیده نمی‌شود، گویا کسی از پس پرده سخن می‌گوید (۳) وحی از طریق فرشته (اویرسل رسولا): طریق سوم آنست که فرشته وحی، حقایق و مضامین وحیانی را برجان پیامبر فرود می‌آورد. همانگونه که درباره پیامبر اکرم (ص) آمده است. (انزل به الروح الامین* علی قلبک) (۲۱))

با این توضیحاتی که در مورد مصداقهای وحی و معانی مجازی و مصطلح آن دادیم مشخص گردید که براساس آیات قرآن، وحی یا تکوینی و یا تشریحی است.

وحی تکوینی، تفهیم سریع و پنهانی است که، خداوند متعال آن را یا از طریق فطرت و غریزه حیوانات انجام می‌دهد و یا در تقدیر و آفرینش جمادات قرار می‌دهد و یا از طریق الهام برشعور انسان و امداد او برعمل خیر انجام می‌دهد. مورد استعمال وحی تکوینی غریزی و تقدیری به ترتیب در حیوانات و جمادات؛ یعنی موجودات غیر صاحب اراده است و مورد استعمال وحی تکوینی الهامی و امدادی در انسان است. در نتیجه وحی تکوینی خود چهار نوع است. غریزی، تقدیری، الهامی و امدادی. وحی تشریحی تفهیم سریع و پنهانی است که خداوند بر پیامبران القا می‌کند و قرآن آن را به سخن گفتن خدا با بشر تعبیر کرده است. وحی تشریحی یا مستقیم است یا با واسطه. در قسم اخیر واسطه یا رسول وحی است و یا حجاب، لذا وحی تشریحی سه نوع است: مستقیم، و با واسطه رسول و با واسطه حجاب. اگر نوع وحی تشریحی از انواع سه گانه معلوم نشود به آن وحی مطلق می‌گوییم. (۲۲))

پی‌نوشتها:

۱- سعیدی مهر، محمد، رهنماشناسی، ص ۶۸

۳- باقری اصل، حیدر، نقد و بررسی نظریه‌های

۲- جوادی آملی، عبدالله، وحی و نبوت در قرآن، وحی، ص ۵

۴- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۶ ص ۵۳

۲۹۰۱

- ۵- انیس، ابراهیم و عبدالحلیم متتصر، معجم الوسیط، ص ۱۰۱۹-۱۰۱۱
- ۶- زمخشری، محمود، اساس البلاغه، ماده وحی، ۷- اصفهانی، راغب، المعجم لمفردات الفاظ القرآن، ماده وحی
- ۸- باقری اصل، حیدر، همان، ص ۸-۷
- ۹- جوادی آملی، عبدا...، همان، ص ۵۴-۵۳
- ۱۰- سعیدی مهر، همان، ص ۶۹
- ۱۱- جوادی آملی، وحی و نبوت، ص ۵۳
- ۱۲- سوره انعام، آیه ۱۱۲
- ۱۳- سوره انعام، آیه ۱۲۱ و ۱۹
- ۱۴- سوره فصلت، آیه ۱۲-۱۱
- ۱۵- سعیدی مهر، همان، ص ۷۵
- ۱۶- سوره زلزله، آیات ۱-۵
- ۱۷- سوره نحل، آیات ۶۸-۶۹
- ۱۸- سوره قصص، آیه ۷
- ۱۹- سوره شوری، آیه ۳
- ۲۰- سوره شوری، آیه ۵۱
- ۲۱- سوره شعراء، آیات ۱۹۳-۱۹۴
- ۲۲- باقری اصل، حیدر، همان، ص ۹-۸

منبع:

- ۱- جوادی آملی، عبدالله، وحی و نبوت در قرآن، انتشارات اسراء، تحقیق و تنظیم حجت الاسلام علی زمانی قمشهای، چ اول، مهر ۱۳۸۱
- ۲- باقری اصل، حیدر، نقد و بررسی نظریه‌های وحی، انتشارات یاس نبی، چ اول، پاییز ۱۳۸۴
- ۳- سعیدی مهر، محمد، رهنماشناسی. ذیل مباحث وحی
- ۴- فعال، محمدتقی، معرفت‌شناسی دینی و معاصر، ذیل وحی در تفکر اسلامی.